

احتیاج بشر بدین

چنانچه بدن انسانی احتیاج بغذای جسمانی : آب و خوراک دارد . روح و نفس بشری نیز محتاج بتغذیه معنوی مستمری میباشد . که بیوسته تجدید نشاط و قوای فکر او را بنماید . و اورا مساج سازد از برای پنجه گرفتن وغالب گشتن بر حوادث زمانه ... و آن غذای معنوی مستمر فقط و فقط دین است .

و هر آنچه بشری دین بسربرد در شرف آنستکه خود بخود از بین برود و معدوم گردد مانند کسیکه مدتی غذا باو نرسد .

احصائیات عالمی بیان میکنند : در هر ۳۰ دقیقه یک نفر انتحار میکند و در هر ۱۰۰ ثانیه یعنی کمتر از دو دقیقه یک نفر دیوانه میگردد و اکثر این حادثه ناشی از مال میشود ... یا از احتیاج بمال و بیچاره گی ، یا از طمع در مال مردم ، یا از لطمه خوردن در اثر از بین رفتن مال ... و البته حوادث راجع بمال در نظر شخصی بزرگ و قابل اهمیت است که اعتقاد نداشته باشد بآنکه خداوند تمثال رازق مردم است : هر چه او مقدر بفرماید همان عملی میگردد ، و کم و زیاد در آن نمیتوان نمود .

مجله : « لیدیز هوم جورنال » مینویسد : « مقتاد درصد اضطرابات و بی تابی مردم راجع بمال است . »

چرا راههای دور از دست را بیمائیم ؟ بر گردیم بجانب شه ها و کوچه و بازارهای خودمان به بینیم در یک سال چند خون ناحق ریخته میشود ، و چندین ناموس هتک میگردد ، و چه قدر دزدی ، زرد و خورد ، و فحش و غیبت و دروغ و غش در میان مردم رد و بدل میشود . یک قدم جلوتر برویم و به بینیم این مجسها پر از بشر ، و آن داد گسترها و کلانترها و اسلحه های گوناگون ، و نارنجک های مختلف ، و خمپاره ها و بمب های اتیه و هیدروژنی و قمر مصنوعی ؟! که بجان این بشر بیچاره افتاده است .

عالم با جمیع قوای خود نمیتواند کوچک و بزرگ این ملعنت های شیطانیرا تحت فشار و بازرسی در آرد ... ولیکن یک چیز میتواند این صفحه را منقلب سازد و تمام اینها را از میان مجتمع براندازد ، و عالم را روشن و بیدار در زیر بالهای خود حفظ نماید چنانکه اهل بهشت ←

پاسخ بانتهقاد بر انتقاد

در شماره ۲۰ مجله وزین راه حق جناب آقای محمد علی انشائی علامه معاصر که راستی از حیث فضل و تقوی در بین کارمندان دولت فردی کم نظیرند و حقاً باید مفتخر دستگاہهای دولتی باشند از نوشته حقیر سزا یا تقصیر عیبجویی کردند و چون دفاع حق مشروع اشخاص طرف هجوم است لازم دانستم بدرج این لایحه دفاعیه مبادرت نمسایم و از این که بر اثر ماه رمضان وعید نوروز یک شماره تاخیر شده است از خوانندگان عزیز معذرت میخواهم .

الف: قطع نظر از معنی لغوی انتقاد که از نقد مشتق است و عمل صرافان را گویند یا نکویند.

اصطلاحاً در زبان فارسی میگویند فلان از بهمان انتقاد کرد و نمیگویند بر او انتقاد نمود بنا بر این همانطور که خود در شماره ۱۹ نوشتم انتقاد از... صحیحتر بنظر میرسد و تازه از آنجا که فاضل محترم ضمن اظهار لطف با من کمترین فرموده اند که «بیشتر بلکه همه انتقادات ایشان بر ترجمه وارد میباشد» معلوم میشود که جناب ایشان باصل ایرادات بر ترجمه اشکالی ندارند

بلکه بر مطالبیکه من در مقدمه نوشتم ایرادی چند دارند فلذا خوب بود که عنوان

درک میچگونه درد و المیرا بنمایند و غیر از طعم سعادت و سلامت چیز دیگری را نشاناسد... آن بگانه چیز دین است .

و مادامیکه دین این چنین فعالیت کم یا بی را بمجتمع نشان میدهد آیا سزاوار است از آن رو بر گردانیدن ؟ و آنرا برای پیرمردها و پیرزنها، و مریضهای بستری و گدا بان در مسجدوا گذاردن ..؟ یا آنکه میدانیم دین نازل شده است از برای جمعیت زنده و خردمند . و هیچ وقت دین احتیاج بکسی ندارد . و ضروری نمیکند بکم شدن پیروان او . بلکه مردمند خسارت کننده گان در اثر پیروی نکردن از دین و آئین خود . مانند تشنه کامانیکه عبور مینمایند از چشمه خوشگوار سرشاری ... هر که از آن آب بنوشد تشنگی خود را بر طرف کرده و بمقصد خود خواهد رسید . و هر که از او نیاشامد خود را تشنه داشته و بالاخره از قافله و هدف اصلی خود دور مانده ، بی آنکه به چشمه آب آسیبی رسانیده باشد .